

حکیم زلالی خوانساری و هنر ترکیب‌سازی

دکتر حیدرعلی دهمرده^۱

سامره شاهگلی^۲

مجله علمی - پژوهشی، شماره ۲۰۱، تابستان ۱۳۹۷

چکیده

زبان فارسی جزو زبان‌های ترکیبی است. پیوستن واژه‌های زبان به همدیگر با افزودن انواع وندها به واژه، یکی از شیوه‌های متداول جهت ترکیب‌سازی است. واژه‌سازی، نشانه‌زایی زبان و از مهم‌ترین شیوه‌های تداوم و پایداری آن به شمار می‌رود. زلالی خوانساری (۱۰۲۵ ه.ق)، از جمله شاعران برجسته سبک هندی است. وی به عنوان شاعری آگاه به اسرار کیمیاگری زبان، برای بیان مفاهیم هنری و ذهنی خویش از واژگان زبان سود جسته است تا ترکیباتی تازه را بیافریند. چنانکه ساخت ترکیب، به عنصر غالب در شعر او در آمده است. از همین رهگذر، بسامد بالای ترکیبات بدیع، نوا و آهنگ خاص ترکیبات، زبان استوار و نیز تخیل قوی و گنجاندن همه این موارد در سیاق ترکیبات، در باروری و غنای شعر وی تأثیر فراوانی داشته است. در این پژوهش انواع ترکیب‌سازی‌های خلاقانه اشعار زلالی خوانساری در ذیل سه بخش: مضامین فکری، ساختمان دستور زبان و بلاغت بررسی شده است. دستاوردهای پژوهش ناظر بر این است که زلالی با استفاده از خصوصیت‌زایی زبان و ویژگی ترکیب‌پذیری آن، کلمات و ترکیبات بی‌نظیری ساخته است. از میان انواع نو ترکیبات شاعر، ترکیبات اسمی، هم از لحاظ بلاغت و فصاحت و هم از لحاظ بدعت و تازگی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: حکیم زلالی خوانساری، دیوان اشعار، ترکیب‌سازی، ترکیبات اسمی.

h.dahmarde79@yahoo.com

shahgoli69@gmail.com

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

مقدمه

زلالی خوانساری (۱۰۲۵ ه.ق)، از شاعران بزرگ و صاحب سبک زبان فارسی است. وی در اشراف و آگاهی به علم کیمیاگری زبان، جزو شاعران طراز اول به حساب می‌آید. متأسفانه از میان انبوه آثار شاعران و نویسندگان، حکیم زلالی خوانساری، این تنها عنوان و نشانی است که می‌توان شاعر را بدان نامید. زلالی را بر اساس اشعار و حکیم خواندندش از طرف دانشمندی چون میرداماد می‌توان جزو شاعران عالم در حوزه‌هایی مثل فلسفه، ریاضی، نجوم و به ویژه موسیقی دانست و تنها کسی که وی به حقیقت و از سر فخر دنیوی و اخروی بر آستانش جبین ارادت می‌نهد همین میرداماد، حکیم اشراقی مشرب است. شخصی که بیشتر آثار زلالی به سفارش و تشویق وی و یا به نامش سروده شده است (شفیعیون، ۱۳۸۷: ۱۵). وی شاعری مبدع و نوآور بود و روشی مخصوص در نحوهٔ ارایهٔ افکارش داشت و از این راه ترکیب‌های تازه‌ای را به وجود می‌آورد که گاه نیاز به توضیح و تفسیر دارد. «مانند "غنچه‌خواه دشت"، یعنی کسی که در دشت به دنبال غنچه می‌گردد. "مرغ روزپنهان"، یعنی مرغی که به هنگام روز بیرون نمی‌آید و پنهانست. "ساقی خونین جگر"، یعنی آنکه به جای شراب از خون جگر خویش می‌نوشد. "دماغ دل به فکر خام‌سوز"، یعنی کسی که اندیشهٔ ناصواب کند. "هوس پخت فضای دشت و فرسنگ"، یعنی آنکه هوس فضای باز فرسنگ در فرسنگ دشت را داشته باشد. "نوکده"، جایی که هر روز درد دلی نو متولد می‌شود. "لب ترانه"، در حد و اندازهٔ یک لب تر کردن. شگفت است که دربارهٔ او نوشته‌اند این همه مضمون‌های عجیب و ترکیب‌های و تعبیرهای نوآین را آگاهانه می‌گفت» (صفا، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۰۲).

در مقابل پاره‌ای دیگر از ترکیبات آورده شدهٔ زلالی در دوره‌های بعدی در شعر شاعران دیگر و در زبان معیار نیز دیده می‌شود. «نظیر: طبیعت‌پسند، آتش آرزو، شادی مرگ، قدم‌سست، بهاشمر، گریخته خواب، غلط آورده، خالی‌کنار، تماشاخواه، دیرساله، پراپر، بالین ضرور، دوری ضرور، گل‌آلود، سخن‌آیان، زانو شده، خون تدارک، نگاه انتخابی، غیرپناهی، مرده‌فراق، راهکش، تماشاگیر، نوتماشا، کامزد. همچنین ترکیباتی نیز در شعر زلالی به چشم می‌خورد که بعضاً به طور محدود در زبان وجود داشته، ولی شاعر به آنها توسع فراوانی در شعرش بخشیده است: ته‌ناله، ته‌خم، سرجوش، سرچین، ته‌نشر، سرخم، سرشکن، غنچه‌آباد، شادیانه، ته‌فکر» (شفیعیون، ۱۳۸۷: ۶۳).

بر این اساس درباره زلالی چنین نوشته‌اند که «ابداع ترکیبات تازه و تعبیرات بی‌سابقه از مختصات کلام اوست» (زرین‌کوب، ۱۳۵۵: ۴۳۲). زلالی در تذکره شمع/انجمن چنین معرفی شده است: «زلالی خوانساری، طبعش از مثنوی طوفان می‌کند و نیستان کلکش در این بحر لالی شاهوار می‌افکند، سبعة سیاره او زمین سخن را ترصیع کاری آسمان بخشیده و سد بندان خیال را در دایره حیرت کشیده» (بخشی، ۱۳۳۶: ۶۷).

آگاهی او به راز و رمز کیمیاگری زبان در عرصه ترکیب‌سازی در حوزه شعر وی، تأثیر بسزایی داشته است. چنانکه در اشعار وی تشبیهات، استعارات و کنایات زیادی وجود دارد که عموماً در قالب یک ترکیب ارایه می‌شود، این ترکیبات، زاده قریحه خلاق اوست. زلالی در آفرینش مضامین غریب و ترکیبات و تعبیرات نا آشنا، مهارتی خاص دارد. او حتی در بیان مضامین عادی و رایج، چنان نوآوری کرده که همچون تعبیرات و ترکیبات ابداعی خودش جلوه می‌کند. ترکیبات زیبا و منحصر به فرد زلالی چون ستاره‌ای درخشان بر تارک آسمان شعر وی، به خصوص بخش مثنوی محمود و ایاز می‌درخشد. به گونه‌ای که بسیاری از صورت‌ها و شکل‌های خیال شعرش را بر مبنای همین ترکیبات بنا نموده و این ترکیبات را می‌توان از مایه‌ها و شگردهای شعرش دانست.

تا کنون در خصوص شعر زلالی خوانساری پژوهش‌هایی صورت گرفته است. امیری خراسانی و دهمرده (۱۳۸۵)، در مقاله «حکیم زلالی خوانساری»، به معرفی شاعر و خصوصیات شعری وی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که وی شاعری نوآور، خلاق و خوش قریحه است که در بیان اندیشه‌های خود سبکی خاص دارد. تصویرهای زیبا، تشبیه‌ها و مجازها در کلام او جایگاهی ویژه دارد و به سخنش زیبایی خاصی می‌بخشد. نجف‌آبادی و نوروزی (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی موسیقی درونی اشعار مذهبی زلالی خوانساری و ابن معتوق موسوی»، در خصوص اشعار مذهبی زلالی خوانساری و ابن معتوق موسوی تفحص کرده‌اند. در مقاله مذکور آمده که مدایح زلالی در شأن بزرگان دین است و حکایت از مشرب عرفانی وی دارد. ابن معتوق موسوی نیز شاعر شیعه مذهب هم دوره زلالی در ادبیات عربی است. قصاید او چه در مدح بزرگان دین و چه در مدح حاکمان عصرش، رنگ مذهبی دارد و در نهایت نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند که میان شعر هر دو شاعر تفاوت‌ها و شباهت‌هایی از نظر فرم درونی وجود دارد که علت این شباهت‌ها و تفاوت‌ها به سبک فردی و ویژگی‌های ادب‌فارسی و عربی بر می‌گردد. همچنین رحمانی (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه

کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی سبکی مثنوی‌های زلالی خوانساری»، سبک شعر او را مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به اینکه تا کنون هیچ گونه پژوهش مستقلی در زمینه "ترکیب‌سازی واژگانی دیوان اشعار زلالی خوانساری" انجام نشده، نگارندگان در این مقاله سعی کرده‌اند با بررسی انواع ترکیب‌سازی‌ها در حوزه اشعار زلالی بر غلبه این وجه زبانی در دیوان اشعار وی تأکید ورزند و برای دست یافتن به این منظور و اطمینان یافتن از غلبه عنصر ترکیب‌سازی در شعر زلالی، تمام ابیات بیت به بیت مطالعه شد و تمام نو ترکیب‌ها که بیش از دو هزار ترکیب بوده، استخراج و دسته‌بندی شده است. روش انجام این پژوهش، توصیفی و نتایج با استفاده از تحلیل محتوا، به شیوه کتابخانه‌ای بررسی شده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

اهمیت این تحقیق، افزون بر معرفی ترکیب‌های جدید دیوان اشعار زلالی خوانساری، در جواب دادن به سوالاتی است که در این زمینه مطرح است:

- ترکیب‌های بر ساخته شاعر را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد و کدام بخش بسامد بالاتری دارد؟
- زمینه‌های فکری غالب در ساخت ترکیب‌های جدید اشعار زلالی کدامند؟
- عناصر بلاغی و زیباشناختی در نو ترکیب‌های شعر زلالی از چه جایگاهی برخوردارند؟

بحث و بررسی

واژه‌سازی عمده‌ترین نشانه زبانی یک زبان و مهم‌ترین شیوه‌های حفظ و تداوم آن محسوب می‌شود. توان زبانی و ساخت واژه‌های نو برای القای مفاهیم تازه، به غنای واژگانی زبان و برخورداری آن زبان به دستگاه واژه‌سازی توانمند، فعال و مولد وابسته است. این دستگاه باید چنان شالوده استواری داشته باشد که بتواند در ساخت و تولید واژه‌های جدید و متناسب با نیاز نویسندگان و گویندگان، نقش آفرینی کند. واژه‌سازی به منظور پیام‌رسانی و القاء مفاهیم تازه به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد، اما رایج‌ترین این شیوه‌ها، اشتقاق و ترکیب‌سازی است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۸). زبان فارسی در این عرصه از توانایی شگفت‌انگیزی برخوردار است. زبان فارسی یکی از زبان‌های هند و اروپایی

است و به گروه زبان‌های ترکیبی تعلق دارد. منظور از ویژگی ترکیبی، توان به هم پیوستن واژه‌های زبان به یکدیگر یا افزودن پیشوندها و پسوندها به آنها برای ساخت کلمات جدید، برای بیان معانی و مفاهیم تازه است (مقرئ، ۱۳۷۲: ۶). بنابراین بخش بسیار بزرگی از واژه‌های جدید از رهگذر ترکیب ساخته می‌شوند. البته هر زبانی در ترکیب واژه‌ها از قواعد خاص خود استفاده می‌کند که مختص همان زبان است. در زبان فارسی می‌توان از ترکیب برای ساخت مقوله‌هایی چون: اسم مرکب، صفت مرکب، قید مرکب، فعل مرکب، حرف اضافه مرکب، حرف ربط مرکب و نظایر آن بهره برد. هر شاعری با توجه به نگرش و گزینش خاصی که در قبال جهان و زبان دارد، الگوهایی را به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه در اثرش به کار می‌گیرد که زلالی خوانساری یکی از این شاعران هنرمند است. بر این اساس، نو ترکیب‌های موجود در دیوان اشعار زلالی خوانساری را می‌توان در بخش‌های: مضامین فکری، ساختمان دستوری و بلاغت بررسی کرد.

۱- ترکیب‌سازی در اشعار زلالی خوانساری

نو واژه‌ها و ساخت ترکیبات تازه در اشعار زلالی خوانساری بخصوص بخش مثنوی محمود و ایاز کاربرد ویژه‌ای دارد. شاعر ساخت واژه‌های جدید را به صورت‌های گوناگونی توصیف نموده و تعبیرات بسیار زیبایی از آنها ساخته است. وی با بهره‌گیری از آفرینش کلمات جدید، به تصویرسازی و نقاشی با کلمات پرداخته و توانسته انواع معانی و مفاهیم را در برابر ذهن مخاطب به تصویر بکشد. تصویرسازی به مدد واژه‌های نو برای شاعر مجال است تا با قدرت تخیل، جهان آرمانی خویش را بسازد و حالت‌های درونی خود را بیان کند. بنابراین نو واژه‌ها، ظرف بیان انواع عواطف و احساسات اشعار زلالی خوانساری گشته‌اند و به طور کلی به دو جنبه عاطفی - عاشقانه و اخلاقی - عرفانی تقسیم می‌شوند.

۱-۱- نو واژه‌ها، بیانگر عواطف و احساسات شاعرانه (جنبه عاشقانه)

زلالی خوانساری برای ساخت واژه‌های جدید، منزلت و ارزش دیگری قایل شده است. ترکیب‌سازی‌ها، قلمرو وسیعی از مضامین ادبی شاعر را به زیر فرمان خود کشیده و معانی و عواطف متضادی چون: عشق و نفرت، مهربانی و سنگدلی، دوستی و دشمنی، خشم و بخشش، اندوه و شادی، صداقت و ریا را در خود گنجانده‌اند. در شعر زلالی خوانساری، نو واژه‌ها با صفات و

تعبیرهای مختلفی نظیر: آشنا رنگ (ب ۱۲۹۶)، آه بسته (ب ۱۷۲۲)، ابرش روح (ب ۳۱۴۲)، بوسه شمع (ب ۸۲۰)، بوی آه (ب ۱۲۴)، چاشنی ناله (ب ۲۱۴۵)، خاتم دل (ب ۳۳۵۹)، خراب عشوه (ب ۳۰۰۴)، چنگ قهقه شیشه (ب ۲۹۹)، دهان خنده (ب ۱۴۲)، بساط بوسه (ب ۱۸۷)، پیمانۀ عشق (ب ۱۷۲)، تاج عشق (ب ۱۹۲)، چشمۀ تبسم (ب ۱۴۲)، دروازه دیدار (ب ۱۲۷)، دلو دل (ب ۱۳۰)، شاخ بوسه (ب ۱۷۳)، شهید غمزه (ب ۲۰۶)، عقیق بوسه (ب ۲۰۰)، فقهه فروشی (ب ۱۲۷)، گله‌های شادی (ب ۱۷۸)، گلدسته فروش عشق (ب ۱۶۵)، خاکستر عشق (ب ۱۹۱)، روز بازار نظر (ب ۱۳۶۷)، زخم‌زار (ب ۸۶۸)، شاه بیت موج خون (ب ۶۷)، شهیدان سخن (ب ۴۰۹)، صدای بوسه (ب ۲۸)، عشق عشق (ب ۲۷۳۳)، عقدۀ کود (ب ۴۹۸)، عکس خواهش (ب ۲۰۰۲)، کوچۀ دل (ب ۲۹۹۴)، لذت‌گیر شکر (ب ۲۸۰۵)، لقمۀ عشق (ب ۷۵۱)، نصاب عشوه (ب ۳۳۵۷) و... که به تعداد ۱۴۰۳ بار (معادل ۶۹/۶۲٪) آمده است.

یکی اشکی به گرد دیده تازد که بر وی چشم من چون دایه نازد

(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۵۱۷)

"اشک به گرد دیده تاختن" و "نازیدن چشم"، دو ترکیب ابداعی شاعر هستند که با آنها عواطف عاشقانه زلالی خوانساری (غم و اندوه) به تصویر کشیده شده و منجر به شیوایی سخن شاعر و نفوذ آن بر سویدای دل خوانندگان می‌شود. در ابیاتی دیگر نیز شواهدی از آمیختگی احساسات شاعر به وسیله ساخت ترکیبات نو آمده است. ترکیبات "عشق بر طرازیدن"، "پیه گذاشتن چراغ دیده" و "عشق بافان"، محصول ذهن خلاق شاعر است:

دماغش گاه عشقی بر طرازد چراغ دیده‌اش پیهی گلدازد

زناله تار و پودم در خراش است که خواب عشق بافان، خوش قماش است

(همان: ۳۱۱ و ۵۲۰)

۱-۲- نو واژه‌ها، بیانگر اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی (جنبۀ عارفانه)

در اشعار زلالی خوانساری، نو واژه‌ها در مواردی حاوی انواع تفکرات اخلاقی و عرفانی شاعر می‌باشند، چنانکه شاعر از آنها برای بیان اوصاف و تعبیرات عارفانه خویش بهره گرفته است. مواردی از قبیل:

آینهٔ بینش (ب ۲۵۲۶)، اشک پرستش (ب ۲۴۰۵)، اضافات موجود (ب ۲۶۴۴)، بیع رحمت (ب ۲۸۸)، پای انداز عبادت (ب ۳۹۸)، پایمرد آمین (ب ۲۶۰۰)، حجلهٔ رحمت (ب ۲۸۵)، چاک بیداد (ب ۵۷۵)، خرج اعمال (ب ۳۳۲۴)، خرقةٔ خم (ب ۲۲۷۴)، خضر عمر (ب ۵۱۷)، خطا نوش (ب ۱۸۳)، دمان کوثر (ب ۲۶۸۳)، شکست توبه (ب ۲۱۷۷)، شهباز نیاز (ب ۲۲۵۵)، صلای حاجت (ب ۲۳۱۴)، طاقهای سجده (ب ۷۴۱)، کوچهٔ شق القمر (ب ۲۰۴۷)، گل مال آدم (ب ۲۷۵۱)، مستوفیان خاک (ب ۳۲۱۰)، نمکدان اجابت (ب ۳۶۶)، پیغمبر شعر (ب ۲۴۳)، آغوش خوبی (ب ۲۰۲)، آغوش درگاه (ب ۱۹۰)، ابر توحید (ب ۹۹)، بخیهٔ راز (ب ۱۵۴)، تندباد نفس (ب ۱۴۲)، خرقةٔ لاله (ب ۱۷۵)، سپاه استغفار (ب ۱۰۱)، سنگ اجل وزن (ب ۱۱۷)، شاهسوار ملکوت (ب ۱۱۲)، طور میخانه (ب ۱۴۰)، مشق نفس (ب ۱۱۵)، نهال شیعیگی (ب ۱۸۹) و نظایر آن که با بسامد ۶۱۲ مورد (معادل ۳۰/۳۷٪) به کار رفته است.

بس که با نقش معانی سر به بالین می‌نهم
خاک یوسف خیز گشته بستر دیبای من
(همان: ۶۴)

شاعر به مضمون‌آفرینی شعر خویش افتخار می‌کند. بیت اشاره‌ای ملیح به داستان حضرت یوسف(ع) دارد و زلالی در اینجا با استفاده از افکار عارفانهٔ خویش، ترکیب ابداعی "خاک یوسف‌خیز" را آفریده است.

تیز دل دوز دم کز هدفی رد نشود
از کمان خانهٔ ابروی قَدَر می‌زاید
(همان: ۷۵)

شاعر در رابطه با امور اعتقاد به قضا و تقدیر الهی دارد، از این رو ترکیب "کمان خانهٔ ابروی قدر"، به زیبایی آمده است. همچنین "افتادن تسبیح سرشک از دست"، شاهدی دیگر است:

چنان بی‌خواست آمد گریهٔ مست
که تسبیح سرشک افتاده از دست
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۵۲۵)

لازم به ذکر است در شعر معاصر و در آثار شاعرانی چون: گرمارودی، اوستا، هراتی و... نیز کم و بیش نو ترکیب‌ها مشاهده می‌شود. چنانکه زمینهٔ فکری و محتوای غالب ترکیبات آنها با مضامین: انقلاب، آزادی، سیاست و جامعه ارتباط پیدا می‌کند که از این حیث با موارد یاد شده از اشعار زلالی متفاوت است. از این جهت ردپای مضامین فوق را در ترکیباتی مانند "قرآن سرخ و خون آیه": «تو

قرآن سرخی / خون آیه‌های دلاوریت‌را/ بر پوست کشیده صحرا نوشتی» (گرمارودی، ۱۳۸۳: ۸۶).
 "تندر بانگ!": «بارگی شبرنگ من در جوشنی / دیو تندر بانگ پولادین تنی» (اوستا، ۱۳۸۸: ۱۲۰) و
 "حنجره دیگران!": «آی دمنندگان شیپورهای شایعه / آی حنجره دیگران» (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۲۵) را می‌توان
 مشاهده نمود.

۲- ترکیب‌سازی از لحاظ دستور زبان

زبان، نخستین و گسترده‌ترین وسیله ارتباط در جوامع انسانی است که در عین پیچیده بودن، استفاده از آن برای انسان‌ها به راحتی و در هر شرایطی امکان پذیر است. زبان، دستگاه پیچیده و نظام‌مندی است که اجزای تشکیل دهنده‌اش الفبا و واژگان است. «واژه، کلید کشف تاریکی، رمز معماها و بزرگترین کشف انسان بر روی زمین است. اکتشافی که تا انسان است، جاودانه و تازه می‌ماند» (براهنی، ۱۳۷۱: ۶۰). زبان یک وسیله ارتباطی درون‌زا، پویا و دینامیک است و به دلیل ماهیت تحول پذیرش، هرگز ایستا نیست (وحیدیان، ۱۳۸۶: ۲). از این رهگذر، امکان ترمیم، نوزایی و تجدید پذیری در هر زبانی وجود دارد. وجود ظرفیت و امکانات کافی برای واژه‌سازی در یک زبان، از رکود و مرگ آن جلوگیری می‌کند. در میان شیوه‌های مختلف تولید واژگان جدید در یک زبان، ترکیب سهل الوصول‌ترین آنها است (سایبر، ۱۳۷۶: ۹۹).

زبان فارسی تقریباً از همه‌الگوها و فرایندهای واژه‌سازی چه آنها که بیشتر در زبان‌های تصریفی به کار می‌روند (مانند اشتقاق) و چه آنها که ویژه زبان‌های ترکیبی‌اند و حتی فرآیند وندافزایی و پیوند که بیشتر مربوط به زبان‌های پیوندی است، بهره می‌گیرد (عاصی، ۱۳۸۳: ۳۴). به همین جهت «زبان فارسی به لحاظ قدرت امکانات ترکیبی، یکی از نیرومندترین زبان‌ها است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۳). شاعران بزرگ همواره ترکیبات تازه را در شعر خود آفریده‌اند. «این شعرای بزرگ، کلمات خاصی دارند که شخصیت آنها را به خواننده می‌شناساند. شاعران همواره معنای خاصی مد نظر داشته‌اند و مجبور بوده‌اند کلمه‌ای برای منظور خود پیدا کنند» (اسفندیاری، ۱۳۳۸: ۲۱۸). شاعری که توانایی ابداع مفاهیم تازه را دارد، نیازمند واژگان جدیدی است. او از امکانات زبان استفاده کرده و ترکیبات بدیعی می‌سازد (مدرسی، ۱۳۸۸: ۵۰). شاعران و صاحب ذوقان، بهترین لغت‌سازان زبانند. آنان کلماتی مانند «دلستان، پریچهر، پنهان‌گریز و صدها مانند آن را ساخته‌اند و چنان زیبا در شعر خویش جای داده‌اند

که بر دل‌ها نشسته است. لغت‌سازی، آیین و اصولی دارد که آنها به خوبی از آن آگاه بوده‌اند» (فرشیدورد، ۱۳۸۰:۲۲۲). زلالی خوانساری از ترکیب‌سازی‌ها فراوان بهره گرفته است و بر این اساس نو ترکیب‌های موجود در اشعار وی را می‌توان از لحاظ ساختمان دستور زبان، ذیل چند عنوان کلی تقسیم‌بندی کرد.

۲-۱- ترکیب‌های اسمی

به جز واژه که در نفس و ذات خویش باید از بار موسیقایی لازم برخوردار باشد، ترکیباتی هم که در یک اثر ادبی به وجود می‌آید، باید متمم و مکمل بار موسیقایی و آهنگ‌آرای هم باشد. یاکوبسن (زبان‌شناس روسی)، دیدگاه‌های مهمی در خصوص ویژگی زبان شعر دارد. یکی از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها، بحث او در باب گزینش‌ها و امکانات محور جانشینی و همنشینی زبان شعر است. «محور جانشینی، مربوط به عنصر غایب و محور همنشینی مرتبط با عناصر حاضر در زنجیره سخن است. در محور همنشینی، شخص سخن‌گو می‌تواند از میان انبار زبان، واژگان گوناگونی را برگزیند و آنها را در وضعیت هم‌جواری و همنشینی جدیدی قرار دهد» (مقرّبی، ۱۳۷۲:۱۵۶).

در این بین کار شاعر بیش از هر چیزی تأکید بر محور همنشینی و ترکیبی است. در واقع شاعر، واژگانی را از انبار و امکانات جانشینی زبان به گونه‌ای غیر منتظره احضار می‌کند و در محور همنشینی جدید قرار می‌دهد. این جا است که یاکوبسن در باب زبان شعر می‌گوید: زبان شاعرانه، اصل تعادل را از محور جانشینی به سوی محور همنشینی طرح می‌افکند (Bradford, 1994:9). در بادی امر لازم است که در رابطه با ترکیب و ترکیب‌سازی نکاتی گفته شود. زبان فارسی جزء زبان‌های صرفی می‌باشد. ویژگی ترکیب‌سازی از ویژگی‌های خاص این زبان محسوب می‌شود. در واقع کلمات مرکب همان کلماتی هستند که ترکیب نامیده می‌شوند. ترکیب در زبان عربی در مقابل تجزیه قرار دارد و آن عبارت است از گرد آمدن حروف در یک جا و ایجاد کلمه (فرشیدورد، ۱۳۶۳:۱۷۱). در اشعار زلالی خوانساری، بیشترین ترکیب‌سازی‌ها مربوط به اسم می‌باشد و اغلب از نوع اسم + اسم هستند. کلمات مرکب نیز یا از دو اسم ساخته می‌شوند و یا از یک اسم و یک صفت و یا از یک کلمه مستقل با یک جزء پیوندی که در اول یا آخر آن قرار می‌گیرد. ترکیبات اسمی که در دیوان اشعار زلالی خوانساری بیشترین بسامد را دارد به شرح ذیل می‌باشد:

چشمخانه (ب ۵۴۰)، دماغ زنبق (ب ۶۰۷)، گلزار ناله (ب ۶۳۲)، آخرهای روز (ب ۲۲۹۶)، افسر شعر (ب ۲۴۳)، امتلای خنده (ب ۱۳۱۹)، انگاره خاک (ب ۲۷۴۷)، برگ سرشک (ب ۲۴۶۰)، بزم پیاله (ب ۳۱۶۱)، بدخشان جگر (ب ۱۱۶۰)، بوسه چشم (ب ۵۷)، پاسنگ دل (ب ۲۲۵۴)، پیه دل (ب ۱۵۰۵)، تربت خانه (ب ۳۱۷۸)، ته فکر (ب ۳۰۳۰)، ته زخم (ب ۶۶۱)، ته خنده (ب ۲۲۱۴)، خراش مصرع (ب ۲۶۱)، خراش ناله (ب ۱۷۶)، خون سرشک (ب ۱۸۷۳)، خونابه حسرت (ب ۲۴۱۸)، خوناب تراوش (ب ۲۱۱۸)، خیل خیال (ب ۸۰۸)، دانه نور (ب ۳۳۱)، درد مزد (ب ۱۲۵)، حيله بافی (ب ۶۳۰)، پای گام (ب ۱۸۸)، پرده خیال فروش (ب ۱۳۹)، گرداب ناف (ب ۱۴۳) و... که با بسامد ۴۲۳ مورد (معادل ۲۹/۲۹٪) ساخته شده است.

چه صحرا! غول زار صرصر و گرد که در دهشت، هراس از خویش می‌کرد
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۵۵۹)

ترکیب اسمی و ابداعی "غول زار" در این بیت مبین خلاقیت و نوآوری شاعر می‌باشد. علاقه و انس شاعر به ترکیب‌سازی باعث شده است تا از هر فرصتی در جهت خلق این نوع ترکیب‌ها بهره گیرد. این ترکیبات هم صورت کلامش را زیبا و هم سخنش را برجسته می‌سازد و نیز در ابیات زیر ترکیبات اسمی جدید "درد غم آیین" و "آیین مژگان" آورده شده است که این ترکیبات علاوه بر پوشش وزنی توجه مخاطب را برمی‌انگیزد و چنین است که کلام زلالی بر سر زبان‌ها می‌افتد. در توصیف عشق ایاز به محمود گفته شده:

رسانندی نکته درد غم آیین شکست گوشه بالین به بالین
ایاز، آیین مژگان تازه می‌کرد ورق‌های جگر، شیرازه می‌کرد
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۶۰۶ و ۶۰۵)

۲-۲- صفت‌های فاعلی مرکب

در زبان فارسی، واژه‌های مرکب بسیاری وجود دارد که دستوریان سستی آنها را صفت فاعلی می‌نامند. صفت فاعلی، واژه مشتقی است که با افزودن پسوند -نده به بن مضارع افعال حاصل می‌شود. حال اگر از آخر صفت فاعلی مختوم به -نده حذف شود، کلمه باقیمانده به جای صفت به کار می‌رود و آن را صفت فاعلی مرکب مرخم یا مخفف می‌گویند. در این صورت قبل از بن مضارع، کلمه‌ای

می‌آورند که با بن مضارع تشکیل یک صفت بدهد، مانند غم‌افزا که در اصل غم‌افزیند بوده است (شریعت، ۱۳۴۹: ۲۶۷). الگویی که از رهگذر آن صفت فاعلی ساخته می‌شود، زایایی فراوانی دارد، زایایی این الگو به عوامل متفاوتی چون: رعایت اصل اقتصاد و نیاز زبان فارسی بستگی دارد (ناتل خانلری، ۱۳۷۷: ۱۷۰). این الگو در ساختن واژه‌های بدیع و نظرگیر در اشعار زلالی خوانساری نقش مهمی دارد. رویکرد زلالی به سوی این نوع ترکیبات، علاوه بر تنگی واحدهای مصرع و بیت که منجر به ایجاز در محور همنشینی می‌گردد، به آگاهی شاعر از وجوه چند معنایی زبان و تسلط بر آنها نیز مربوط می‌شود.

بین کلمات شعر زلالی خوانساری، پیوندهای لفظی و معنوی متعددی برقرار است. وی همچون فرماندهی مقتدر رشته طلایی واژگان را به زنجیر می‌کشد. درصد برخی افعال مورد استعمال در صفات فاعلی مرکب در اشعار زلالی توجه برانگیز است و می‌تواند در تعیین سبک شخصی وی راهگشا باشد. شمیسا درباره گزینش واژه‌ها توسط شاعر می‌گوید: «هنرمند، رفتارهای ذهنی خاصی با برخی کلمات دارد، یعنی معنی خاص یا احساس خاصی را به آنها حمل می‌کند» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۴). زلالی خوانساری با ساخت صفات فاعلی مرکب، ترکیبات نظرگیر و پر محتوایی خلق کرده، شماری از این گونه صفات فاعلی مرکب در اشعار وی به شرح زیر است:

آفتاب تیغ زن (ب ۲۹۸۳)، دست‌افشار (ب ۵۱۸)، شورش‌آمیز (ب ۵۲۱)، حسن گلوسوز (ب ۲۷۷۶)، حسن سخن‌گش (ب ۲۷۹۴)، خواب خونریز (ب ۸۳۷)، برق ناف‌سوز (ب ۲۱۹)، سرین سمن ریز (ب ۱۷۲)، زره‌ساز آب (ب ۱۱۱)، خونریز سبو (ب ۱۹۳)، سپهر گلپوش (ب ۱۶۳)، دشنبندی خار (ب ۱۰۴)، دسترنج صبر (ب ۱۲۶)، نغمه‌گر بوسه (ب ۱۱۳)، خوناب گلوسوز (ب ۲۷۶۶)، خیال کوچه‌گرد (ب ۱۸۳۲)، درمان‌گیر درد (ب ۲۸۱۹)، دست دلشکن (ب ۳۲۸۰)، سوز گلوسوز (ب ۲۱۲۰)، خدنگ جگردوز (ب ۱۵۲۶)، عنکبوت شعرباف (ب ۳۲۶۷)، عیش غم‌اندوز (ب ۲۹۵۹)، فکر خام سوز (ب ۵۸۶)، مرغوله آموز (ب ۳۲۴۱)، هوش بندان (ب ۱۱۳۹)، مارشکرخیز (ب ۱۸۸۰)، دمسازان غم‌گیر (ب ۱۹۵۰)، قطره‌گیر (ب ۳۲۵۹)، ابر لعل فشان (ب ۱۵۱۱)، چپ‌انداز (ب ۸۱۴)، بلا انداز (ب ۶۲۳) و... که به تعداد ۱۱۶ بار (معادل ۸/۰۳٪) آورده شده است. این صورت‌پردازی زلالی، سبب‌ساز آفرینش صفات فاعلی مرکب متعددی شده است. ترکیباتی که شوری را در مخاطب بیدار می‌سازد.

غلامی می فروشم جمله ادراک گریزان رحم و طاقت دزد و بی‌باک
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۶۳۰)

گاه زلالی صفات فاعلی مرکب را طوری می‌آفریند که هم موسیقی شعر غنی شود و هم ارزش بلاغی به شعر بخشیده می‌شود. شاعر در این بیت با بهره‌گیری از آرایه تنسیق الصفات، سه صفت فاعلی را در کنار هم نشانده است که صفات فاعلی "گریزان رحم" و "طاقت دزد"، ابداعی می‌باشند و نیز در ابیات دیگر، صفات فاعلی جدید: "خواب خونریز"، "رقص آمیز" و "مزاج‌اندیش"، قابل تأمل است.

درآمد غزنوی ز آن خواب خونریز چو مرغ نیم بسمل رقص آمیز
گل سوری، مزاج‌اندیش گشته ز بس خندید، کامش ریش گشته
(همان: ۵۲۵ و ۶۴۴)

این ترکیبات خوش ساخت علاوه بر تحرک دادن به بیت موجب درنگ مخاطب می‌شود و در جهت ادای مقصود بیشترین کارکرد را دارد.

۲-۳- صفات فاعلی مرکب

بسامه ترکیبات مفعولی مرکب در اشعار زلالی خوانساری به اندازه صفات فاعلی نیست، هر چند این مسئله در کلیت زبان فارسی نیز مشهود است، اما زلالی در همین مقدار اندک از این قسم ترکیبات، تلاش کرده با ساخت صفات فاعلی تازه، بار معانی ترکیبات را غنا ببخشد. در شعر زلالی، صفات فاعلی مفعولی نظیر:

عشوه آلود (ب ۵۲۱)، دم گرم برشته (ب ۱۸۷)، ماه پیشانی گشاده (ب ۲۱۲)، گلزار خفته (ب ۱۸۰)، خشم آلود (ب ۶۲۹)، باغ گل آلود (ب ۵۷۱)، جان زخم آلود (ب ۲۸۴)، انجم گشته (ب ۵۴۹)، حال شکسته بسته (ب ۵۵)، حسن ته برشته (ب ۱۲۱۷)، دود آب خورده (ب ۱۷۴۰)، پا خورده ناخورده (ب ۲۴۳۶)، می‌اندیشه کُش (ب ۳۲۸۴)، خون موج بسته (ب ۳۱۶۷)، نگاه کُشته (ب ۸۷)، نی کمر بسته (ب ۷۹۰)، نغمه‌های ته برشته (ب ۲۵۹۵)، عروس شو ندیده (ب ۳۳۲)، فکر دلچسب (ب ۱۸۹۹)، اشک خون گردیده (ب ۷)، پیچیده پرده (ب ۲۳۸۷)، تصور سوده (ب ۱۲۲۶)، چرخش برشته (ب ۱۳۳۵) و... به تعداد ۸۹ مورد (معادل ۶/۱۶٪) ساخته شده است.

لب او گر نمی‌شد خنده آلود ملاحظت تا قیامت بی نمک بود
(همان: ۵۲۳)

شاعر در این بیت وجود لبخند بر لبان معشوق را واجب می‌داند. زلالی در ساخت این واژه‌ها و کلمات از هنجارهای زمانی خود عدول کرده و بر پایه اصل آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی زیبایی عمل کرده است و بر این مبنا هرچه در فکرش آمده به قلم آورده است. صفت مفعولی "خنده آلود" در اینجا حاصل ذهن خلاق شاعر می‌باشد و همچنین در جاهای دیگر صفت‌های مفعولی: "نیاز آلوده"، "خنده‌گرینده" و "آتش آلود" آمده است:

نظر بتخانه‌ی حسن ایازش نیاز آلوده‌ی پوشش ز نازش
بطک را کبک آسا خنده بگشای ز سینه، خنده‌گرینده بگشای
بتی چون روی جانان آتش آلود گل سر چشمه‌ای بر خون محمود
(همان: ۶۳۳، ۵۴۸ و ۶۰۵)

خاقانی نیز در دیوان قصایدش، ترکیبات بر ساخته فراوانی دارد. با توجه به مشاهدات انجام شده، نو ترکیب‌های صفت فاعلی و مفعولی شعر خاقانی، اغلب با علوم و باورهای عامه تلفیق یافته که از این حیث با نحوه کار زلالی متفاوت است و بدین سان خاقانی آنها را در ابیاتی چند باز نموده:

از بهر تب بریدن خود، دست آزر را از نیستان هیچ کسی تبستان مخواه
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۸)

در این بیت خاقانی علاوه بر آوردن صفت‌های فاعلی "نیستان" و "تبستان"، خاصیت نی در بریدن تب را در باور عوام یادآور شده است. «در گذشته، افسونگران برای بریدن تب بیمار، از نی‌هایی کمک می‌گرفتند که بر آنها ورد و افسون خوانده می‌شد» (کزازی، ۱۳۷۸: ۲۲).

دوستان تشنه لب را زیر خاک از نسیم جرعه‌دان ییاد آوردید
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۱۸)

ترکیب "نسیم جرعه‌دان"، صفت فاعلی است. در ادب پارسی، جرعه بر خاک ریختن کنایه از نواختن فرو دستان و درماندگان است. «جرعه‌افشانی بر خاک از آیین‌های کهن در شادخواری و باده‌گساری بوده است. ایرانیان باستان به هنگام باده‌نوشی، سرشکی چند از باده را بر خاک می‌افشانند تا بغانوی زمین را بدین شیوه سپاس گفته باشند» (کزازی، ۱۳۷۸: ۲۹۹). چنانکه گفته شد در نو

ترکیب‌های صفت فاعلی قصاید خاقانی نیز اغلب شاعر اشاره‌ای به امثال و باورهای عامیانه نموده است.

ندارم سرِ می که چون سگ گزیده جگر تشنه‌ام وز سقا می‌گریزم
 ز آن آب آذر آسا ز انسان همی‌گریزم کز آب سگ گزیده، شیر سیه ز آذر
 (خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۵۸)

شاعر در این بیت ترکیب‌های "سگ‌گزیده" و "گرگ‌گزیده" را که برگرفته از ضرب‌المثل‌های رایج در میان مردم (مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد) است، در جهت مضمون‌آفرینی به کار گرفته، خاقانی در این بیت، پرهیز از باده نوشیدن را با بهره‌گیری از این ترکیب بیان کرده است که از هر بیان مستدلّی تأثیرگذارتر است.

شاید ار مغز زکام آلود را عذری نهند کو نسیم مشک سارا برتابد بیش از این
 (همان: ۵۶۱)

ترکیب "مغز زکام آلود"، صفت مفعولی است. «در گذشته برای درمان بیمار و بیرون راندن تری و سرمای که مایه بیماری پنداشته شده، از سر و مغز او پارچه‌ای را با داروها و ضمادهایی می‌انداخته‌اند و برگرد سر بیمار می‌بسته‌اند» (کزازی، ۱۳۷۸: ۴۱۶).

۲-۴- ترکیبات وند دار

واژه‌سازی به کمک وندها در زبان فارسی بسیار رایج است. وندها به دو دسته تصریفی و اشتقاقی تقسیم می‌شوند. «وندهای تصریفی، واژه جدید نمی‌سازند مثل نشانه‌های جمع اما وندهای اشتقاقی ترکیبات جدید می‌سازند» (موسوی سوته و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). از آنجایی که در زبان فارسی امکان پیوستن انواع کلمات به وندها فراهم است، شاعران و نویسندگان از این استعداد زبان سود جسته و ترکیبات فراوانی ساخته‌اند. زلالی خوانساری نیز به اقتضای نوآوری‌های زبانی خویش، از امکان زیبایی زبان بهره گرفته و ترکیبات فراوانی خلق کرده است. به نظر می‌رسد اغلب ترکیبات به کار گرفته شده، ابداعی و نو هستند و شیوه به کارگیری این ترکیبات و به رشته نظم کشاندن آنها به قصد مضمون‌آفرینی و تصویرسازی در نهایت فصاحت و بلاغت، امری است که زلالی خوانساری در آن گوی

سبقت از دیگر شاعران ربوده است. در زیر برخی از ترکیبات ابداعی وند دار اشعار زلالی فهرست‌وار آمده است:

آینه‌زار (ب ۲۴۸۳)، بسملگه لاله (ب ۶۱۶)، خضر سمن زار (ب ۱۱۲۲)، جگر‌گاه بلارک (ب ۱۹۴۶)، زخم‌زار (ب ۸۶۸)، غوطه گاه نیش (ب ۱۳۰۲)، غوره زار (ب ۱۰۹۸)، قربانگاه ناز (ب ۲۴۷)، کارگاه آفتاب (ب ۱۰۷۷)، کارگاه کار (ب ۷۲۷)، کشتزار دزد گشته (ب ۲۴۷۶)، گلزار یکرنگان (ب ۱۹۵۴)، ناله‌زار (ب ۷۸)، نخجیرگاه دام و دانه (ب ۲۶۴۷)، نمکدان سخن (ب ۲۳۵۷)، نمک زار (ب ۵۱۱)، مایه ور (ب ۶۲۶)، ناف‌سوزی (ب ۵۷۲)، شرار آسا (ب ۵۷۳)، سرمه‌ناک (ب ۵۵۷)، خامشکده (ب ۸۵۰)، زعفران زار (ب ۷۸۷)، کبک آسا (ب ۵۴۸)، آتشگاه آزر (ب ۲۱۵)، ارغوان‌زار (ب ۱۴۲)، پرسه‌گاه خزان (ب ۱۰۴)، زخمناکی (ب ۱۰۴)، صبوحی کده ناز (ب ۱۱۱)، عیدگاه آفتاب (ب ۲۰۶)، غوطه‌گاه ازدها (ب ۲۱۹)، نو کده درد (ب ۱۱۲) و... با بسامد ۱۷۲ بار (معادل ۱۱/۹۱٪) آفریده شده است. زلالی خوانساری با به کارگیری پسوندهایی نظیر: دان، ستان، زار و گاه که همگی برای ساخت ترکیبات مکانی به کار می‌روند، ترکیبات نو آیین و بکری ساخته که همگی درخور توجه‌اند. مثلاً با افزودن پسوند گاه و ستان، به حالتی از انسان و یا اشیاء، واژه "خنده‌گاه" و "درختستان" را خلق نموده است.

سرشک از خنده‌گاه شیشه سر کرد قدح از گل، دهن پر خنده تر کرد
در آن هنگامه از شاخ گوزنان درختستان خشکی شد بیابان
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۶۳۷ و ۵۲۷)

بر همین قیاس، برای بیان موقعیت‌ها و حالات خاص به کمک وندها چنین ترکیبات زیبا و جدیدی ساخته است. یکی دیگر از پسوندهایی که زلالی با بهره‌گیری از آن نو ترکیب‌های بکری ساخته، پسوند‌های ناک و آسا است. همان گونه که شیوه سخن‌پردازی وی ایجاب می‌کند، برخی از ترکیبات ساخته شده با این گونه پسوندها از طمطراق ویژه‌ای برخوردار هستند. شاعر در وصف عشق و سختی‌های آن چنین می‌گوید:

پی اظهار عشق آرزوناک چو لعل از کان تهمت دامنش پاک
نسیم آسا به هر روزن فرو شو جگر بریانیان را دزد بشو شو
(همان: ۵۷۲ و ۵۴۰)

۲-۵- ترکیبات شبه وند دار

علاوه بر وندها، کلماتی هستند که مانند وند، در ترکیب‌سازی به کار گرفته می‌شوند. «شبه وندها (موارد میان مرزی) کلمات آزادی هستند که در ترکیب با کلمات دیگر با معنایی به جز معنی اصلی خود به کار می‌روند. شبه وندها هر گاه معنی اصلی خود را از دست بدهند و یا به صورت آزاد به کار نروند، به وند تبدیل می‌گردند» (کلباسی، ۱۳۸۰: ۱۴۵). کلماتی نظیر: آباد، خانه، شاه، نامه و... از جمله شبه وندها هستند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۳۵). زلالی خوانساری با بهره‌گیری از این شبه وندها ترکیبات فراوانی ساخته است که نقش مهمی در القاء معنا و مفهوم دارند و نیز واجد بلاغت ادبی هستند. از جمله ترکیباتی که به مدد شبه وندها ساخته شده‌اند، بدین قرارند:

آینه‌آباد (ب ۴۲)، می‌نامه (ب ۱۸۰)، تربت‌خانه (ب ۳۱۷۸)، حسن آباد (ب ۵۶۳)، خراش آباد (ب ۵۶۳)، چشم‌خانه پرواز (ب ۳۱۴۰)، چشم‌نامه (ب ۱۸۸۳)، رقص آباد (ب ۱۷۷۵)، دم آباد (ب ۱۴۸۴)، فرق‌نامه (ب ۲۱۶)، سرای غم آباد (ب ۲۶۳)، عشرت آباد (ب ۱۸۸۵)، مریم آباد (ب ۵۱۶)، قلندرخانه (ب ۳۲۱۵)، مرغ‌نامه (ب ۱۲۲)، نفس آباد (ب ۲۲۵)، مهر آباد (ب ۵۶۵)، پنبه آباد (ب ۶۱۸)، جنون آباد (ب ۶۰۸)، عیسی آباد (ب ۶۲۵)، وسعت آباد (ب ۶۴۸)، آتسخانه جام (ب ۲۱۸)، حیات آباد (ب ۱۸۹)، ساقی آباد (ب ۱۸۰)، شهنامه مه (ب ۲۰۷)، مسیح آباد (ب ۱۳۵)، معنی آباد (ب ۱۸۹) و... با بسامد ۱۹۸ (معادل ۱۳/۷۱٪) آورده شده است. یکی از شبه وندهای پر بسامد در اشعار زلالی خوانساری، "خانه" می‌باشد که شاعر ترکیبات بدیعی از آن ساخته است:

خزیده حیرتش در چشم‌خانه لب از جان، چاشنی گیر بهانه
تک و پوی براق شد چالاک از پریخانه خیال به خاک
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۵۴۰ و ۱۳۶)

واژه "آباد" نیز از جمله شبه وندهایی است که زلالی برای بیان مفاهیم انتزاعی و عینیت بخشیدن به امور ذهنی و معقول از آن بهره می‌گیرد. این پسوند از جمله پسوندهای مورد علاقه شاعر در خلق ترکیبات اشتقاقی است. از نگاه دیگر، یاری‌رسان شاعر در جهت آهنگین کردن کلام می‌باشد چنانکه شواهد زیر مؤید این مطلب هستند.

به چین آباد زلف دلبر آمد به رشته تابی مشک تر آمد

از آن پیچان کمنند عقده آباد بت کشمیریان در بند افتاد
(همان: ۵۴۶ و ۵۶۰)

در میان شاعران فارسی، نظامی نیز کاربرد ترکیبات جدید را در سروده‌های خود از قلم نینداخته است. اکثر ترکیبات ابداعی ونددار و شبه ونددار شعر وی با مفاهیم انتزاعی - کنایی و عواطف شاعرانه تلفیق یافته، حال آنکه در اشعار زلالی خوانساری این گونه ترکیب‌سازی‌ها از دایره وسیع‌تری برخوردار بوده و شاعر آنها را با عناصر و موضوعاتی چون: جانوران، پدیده‌ها، عواطف و احساسات و موقعیت‌های مختلفی همراه کرده است. در مخزن الأسرار نظامی مواردی نظیر: زخمگه آه (ص ۱۰۱)، زخمگه چرخ (ص ۱۳۳)، خنجره دودناک (ص ۱۲۲)، بادیه دیوسار (ص ۱۲۹)، دل پرهیزناک (ص ۱۳۲)، غله‌دان عدم (ص ۲۵)، ناموسگاه (ص ۳۶)، رصد نامه اختر (ص ۱۴۹)، هنرنامه (ص ۱۵۵) و... آمده است. در ابیات زیر نو ترکیب وند دار "لافگاه" و شبه وند دار "عدمخانه" مثال‌هایی دیگر از شعر نظامی است:

لاف بسی شد که درین بزمگاه بر تو جهانی به جوی خاک راه
خلوت خود ساز عدمخانه را باز گذار ایمن ده ویرانه را
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۱۳ و ۱۲۸)

۶-۲- ترکیبات وصفی

ترکیبات وصفی، ترکیباتی هستند که مفهوم وصف دارند و از دو کلمه یا بیشتر تشکیل شده باشند (خیام‌پور، ۱۳۹۲: ۵۷). ترکیب وصفی یعنی صفت و موصوف و یا به عبارتی دیگر اسم + صفت که ویژگی اسم را بیان می‌کند. زلالی خوانساری در اشعار خود به فراوانی نو ترکیباتی از نوع ترکیبات وصفی را خلق کرده است. شگردهای زلالی در عرصه تصویر آفرینی و خلق مضمون، منجر به ابداع ترکیباتی شده که به تحقیق می‌توان آنها را مختص شعر زلالی دانست. ترکیباتی که توصیفی هستند و با استخدام عناصری چون شخصیت‌ها، جانوران، پدیده‌ها و موقعیت‌های مختلف، از کارکرد هنری و زبانی برجسته‌ای برخوردار می‌شوند. نمونه‌هایی از ترکیبات وصفی که ابداعی نیز هستند، به این شرح می‌باشد:

آتشخانه خام (ب ۲۰۱۱)، اشک تلخ (ب ۲۸۳۵)، امید پیچ در پیچ (ب ۲۳۲۵)، ایام بلافرض (ب ۲۰۱۷)، بکر مناجات (ب ۲۳۹۳)، بلای کاری (ب ۲۷۷)، بوسه مدهوش (ب ۱۲۲۴)، بوسه‌های بکر (ب ۱۴۸۰)، تبسم ریزه (ب ۱۳۱۸)، تخم داغکاری (ب ۲۴۰۶)، تیغ گریان (ب ۳۴۲)، تیغ بی‌غمی (ب ۲۱۶۲)، جهان نو کیسه (ب ۳۳۳۲)، چاره ناچار (ب ۲۰۶۶)، خاکیان نیمکش (ب ۳۲۸۴)، خلوت تنگ (ب ۲۶۲۲)، خنده خونین (ب ۲۵۳۸)، خیال چرب (ب ۲۳۳)، دماغ بندگی (ب ۱۱۹۲)، زخم انبوه (ب ۲۲۶۹)، شعله چسبان (ب ۳۳۴۸)، شمع مجازی (ب ۲۹۷۹)، شمع کفن‌پوش (ب ۲۲۰۶)، شهاب کشته (ب ۱۱۶۹)، طفل پسین زاده (ب ۲۶۱۷)، عشق عریان (ب ۲۷۲۲)، گردباد جلوه‌ناک (ب ۲۹۴۵)، ماه مهر آشام (ب ۲۰۱۱)، معنی‌های خاطر چسب (ب ۳۳۱۱)، میغ قطره بار (ب ۵۰۶)، نرگس بیهوده (ب ۲۴۹) و... که با بسامد ۲۵۴ بار (معادل ۱۷/۵۹٪) ساخته شده است.

چو آمد قصر و باغ خاطر افروز
تمام اجزا تر از حُسن گلو سوز
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۶۱۳)

زلالی خوانساری به عنوان شاعر تصویرگر ادب فارسی، برای آنکه بتواند نوآوری‌هایی در زمینه تصویرسازی داشته باشد، به مدد ترکیبات وصفی، ترکیب‌های زیبایی ساخته است و در این بیت، ترکیب وصفی ابداعی حُسن گلو سوز مبین نوآوری شاعر است و نیز در ابیات دیگر ترکیبات وصفی: "جان‌های جگرخوار"، "چشم سرمه‌ناک" و "محمود می‌سوز" آمده که برخی از این ترکیبات قافیه‌ساز منجر به زنده و پویا شدن سخن شاعر می‌شود و رنگ کهنگی را از صورت کلام او می‌برند.

قدح پیمای جان‌های جگرخوار دماغ آرای دل‌های خب‌ردار
که ای لاله! ز عاشق نیست باکت چه کیفیت ز چشم سرمه ناکت
بیا ای دود! بر محمود می‌سوز که بیرون می‌رود از گلخن امروز
(همان: ۵۴۴، ۵۵۶ و ۵۴۷)

۲-۷- ترکیبات مصدری

ترکیب مصدری در اصل صفت‌های فاعلی مرکب مرخمی هستند که یای مصدری به آنها افزوده می‌شود. فرشیدورد در تعریف یای مصدری می‌گوید: «ی مصدری، پسوند فعال اسم‌ساز است که اسم معنی و اسم مصدر می‌سازد. این لفظ معمولاً به آخر صفت می‌پیوندد و آن را تبدیل به حاصل

مصدر می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۴۷۱). زلالی خوانساری، اغلب از این گونه ترکیبات جهت خلق قافیه و افزودن بر بار موسیقایی شعرش بیشترین بهره را برده است. شمار بسیاری از این نوع ترکیبات در مکان قافیه، مؤید این مطلب است. به عنوان نمونه برخی از ترکیبات مصدری در زیر فهرست‌وار آمده است:

لبریزی (ب ۸۶۳)، عافیت‌سوزی (ب ۸۵۹)، صورت‌گشایی (ب ۸۵۵)، شعله‌بازی (ب ۸۳۴)، سیاست‌گستری (ب ۱۱۹۶)، سرعت‌انگیزی (ب ۳۸۱۲)، حیل‌پزی (ب ۱۲۶۰)، جگر دوزی (ب ۸۳۳)، غم اندوزی (ب ۷۶۹)، خون بافی (ب ۷۴۶)، جگرسازی (ب ۸۱۹)، بوسه‌زبانی (ب ۷۱۷)، سر بخشی (ب ۷۷۳)، سخن شاشی (ب ۸۱۴)، جان توزی (ب ۹۱۰)، پایان دانی (ب ۸۹۶)، دغاسازی (ب ۳۹۱۸)، شکن‌گیری زلف (ب ۵۸۲)، ناف‌سوزی (ب ۵۷۸)، تپانچه‌کاری (ب ۱۰۱)، طبل‌کوبی دل (ب ۱۰۴)، قلمکاری گام (ب ۱۵۲) و نظایر آن که به تعداد ۷۸ بار (معادل ۰/۵/۴۰٪) آورده است.

به سوهان زبان در تیغ بازی به میدان دهن در ترک‌سازی
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۸۶۵)

برای مثال ترکیب "تیغ بازی" و "ترک‌سازی" در این بیت قافیه‌ساز است. آگاهی شاعر به زیر و بم‌های ترکیب‌سازی سبب شده تا از تمامی ظرفیت‌ها جهت خلق ترکیب بهره گیرد. جای قافیه به دلیل تشخیصی که دارد، بهترین مکان جهت خلق ترکیبات بکر است.

ز آهم جسته دیوانه ساری ز اشکم کودکی الماس خواری
(همان: ۸۵۲)

اهمیت موسیقی کناری در دیوان اشعار زلالی بسیار است. به طوری که گاه شاعر هنرمند هر ترکیب مصدری را در مکان قافیه می‌نشانند و بار موسیقی شعرش را غنی می‌سازد. از جمله ترکیبات بکر زلالی که گویای زنده و پویایی کلام اوست، ترکیبات: "اشک‌پاشی"، "مجنون‌تراشی" و "بوسه‌بازی" است و شاعر با احضار این قبیل ترکیبات نه تنها صورت کلامش را تازه می‌کند، بلکه رسالتش را در قافیه‌سازی به انجام می‌رساند.

کنند از دیده‌اش در اشک پاشی مژده لیلی ننگه مجنون تراشی
تماشا پیشه را در جلوه سازی در و دیوار، نقش بوسه بازی
(همان: ۵۴۱ و ۷۴۳)

۲-۸- ترکیبات حرف اضافه‌دار

یکی از هنرهای ذهنی و زبانی زلالی خوانساری، تلفیق ترکیب‌ها با حروف اضافه است. اغلب این نوع ترکیبات کنایی نیز می‌باشند که حاصل آن خلق تصاویر ذهنی و عینی زیبا در ذهن مخاطب است.

شماری از ترکیبات حرف اضافه‌دار در دیوان اشعار زلالی خوانساری به شرح زیر است:

حیا در خاک افتادن (ب ۹۳۳)، خرد بی برگ کردن (ب ۷۷۹)، دست و گردن را زلف بستن (ب ۱۹۳۴)، سوار بر خنده بودن (ب ۲۳۹۸)، اجل بر تیر بستن (ب ۸۷۵)، ادب را ادب کردن (ب ۲۴۶۵)، ابرو به ابرو بستن (ب ۷۸۴)، با نیش زنبور پل بستن (ب ۱۷۴۴)، ته دل بر زبان بودن (ب ۱۲۴۹)، خیال از خیال تراشیدن (ب ۸۲۷)، دامان فلک بر زمین دوختن (ب ۹۸۶)، دست از دامان سر کوتاه شدن (ب ۷۶۹)، دهان در مشت پیچیدن (ب ۷۵)، دیده در زیر شکم داشتن (ب ۷۸۹)، سخن بر شعله نوشتن (ب ۱۸۱۵)، صد طوفان از یک قطره برآوردن (ب ۲۴۸۲)، عشق در دانه برشتن (ب ۱۲۴۷)، غلغل می در گلو داشتن (ب ۹۱۲)، قیامت را پس زانو نشانیدن (ب ۹۴)، کهکشان در آغوش داشتن (ب ۲۴)، لب بر خنده چسبیدن (ب ۸۰۱)، منقار بر ناله شکستن (ب ۳۲۹۹)، موی بر تن آب شدن (ب ۷۴۰)، نقش سایه بر هوا بودن (ب ۷۴۳) و... که به میزان ۱۱۴ (معادل ۷/۸۹٪) آورده شده است.

درون قصرششان اول ره افتاد به چرخ از نردبان نور مه افتاد
دگر فکری ز فکر کهنه متراش خریدار خیال تازه رو باش
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۶۱۵ و ۶۳۱)

یکی از پیوندهای پرکاربرد در شعر شاعر آفرینش حرف پیوند "از" است. شمار فراوان این نوع کلمات پیوندی بیانگر نگاه عمیق زلالی به زبان عامیانه است. در ابیات بالا ترکیبات "از نردبان نور ماه افتادن" و "فکر از فکر کهنه تراشیدن"، علاوه بر اینکه کنایی هستند، همراه با حرف اضافه «از» آمده‌اند. همچنین در جاهای دیگر، زلالی خوانساری برای پرورش پندار شاعرانه و نیز اعتلای زبان شعری خویش به ترکیبات "دل از درد محبت آباد کردن"، "سرمه به بخت کشیدن" و "راه بر خدنگ ناله بستن" اشاره نموده است:

دل از درد محبت سراز آباد که بی دردی است کفر آدمی زاد
شقایق تا کشد سرمه به بختم چهارش چشم آمد داغ رختم

چو راهی بر خدنگ ناله می‌بست نفس می‌زد که خون صد نیزه می‌جست
(همان: ۸۱۴، ۷۸۲ و ۶۲۸)

۳- ترکیب‌سازی در تصاویر بلاغی

خیال، عنصر اصلی بیان شاعرانه است. شاعر با بهره‌گیری از عنصر خیال، از بیان عادی و خبری فاصله می‌گیرد و با تصرف در مفاهیم و افزودن تصویری از ذهن خویش، مقصودش را با بیانی مخیل و شاعرانه باز می‌گوید. «بررسی صورخیال، سبک و ارزش هنری اثر را روشن می‌سازد و میزان هنر و نوآوری شاعر را مشخص می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۶۹). یکی از ویژگی‌های شعر سبک هندی، مضمون‌پردازی با استفاده از عناصر خیال است. زلالی خوانساری در اشعار خویش ترکیب‌سازی‌های نو و جدید را با تصاویر بلاغی و صورخیال (تشبیه، استعاره و کنایه) همراه کرده است. در حقیقت شاعر به دنبال خلق افق‌های معنایی و تصویرسازی‌های نو و بدیع می‌باشد. از این رو هر مضمون می‌تواند برای او از دیدگاه‌های مختلف، عرصه تجربه و آفرینش جدید واقع شود.

۳-۱- تشبیه

در بررسی تشبیه می‌توان گفت مهم‌ترین رکن، وجه شبه است که از مشبه به بدست می‌آید. هر قدر رابطه بین مشبه و مشبه به دورتر باشد و به عبارتی دیگر ادعایی تر و غریب‌تر باشد، تشبیه هنری‌تر و با ارزش‌تر خواهد بود. «تشبیه در واقع ادعای ماندگی دو چیز به یکدیگر با استدلال‌های هنرمندانه و خیالی است. این استدلال شاعرانه، همان وجه شبه می‌باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۶۸). رکن اساسی قوت شعر زلالی که باعث تمایز وی از اقران و هم‌روزگاران‌ش شده، استفاده هوشیارانه وی از تشبیه می‌باشد. اگر چه شاعر نیز همانند هم‌طرازان خویش اسیر تصویر و فضاهای خیالی انتزاعی است به‌خصوص در قصیده‌هایش و پاره‌ای از دیباچه‌های منظوم مثنوی‌هایش که مایه عقلی و انتزاعی دارند اما علاقه او به طبیعت بیرونی و زمینی‌اش که ریشه در روان شاعر دارند و نیز فضای غنایی و روایی اثرش، او را گاه در آفرینش فضاهای عینی شاعرانه هر چند وهمی و انتزاعی بسیار موفق جلوه داده است. نکته جالب توجه آن است که در همین حوزه تشبیه درصد بیشتری از انواع تشبیه را تشبیهات هر دو رو حسی به خود اختصاص می‌دهد اما به‌واسطه بدیع بودن و گاه غرابت وجه شبه و ربط دو

طرف تشبیه و نیز اجمال و ایجازی که در آن است، شعر زلالی را از غامض‌ترین اشعار این دوره به‌شمار آورده است. به عنوان نمونه:

آشیان نیش آزار (ب۲۰۱۸)، ابر تیغ (ب۱۱۴۸)، برات دود (ب۲۵۹۹)، برگ بهانه (ب۲۴۰۴)، تنور لاله (ب۸۹۲)، تیغ شعله (ب۵۲۹)، خدنگ ناله (ب۹۱۴)، خانه بخشش (ب۲۸۴)، خمیر حسن (ب۲۷۴۱)، درس ناله (ب۱۵۰)، زنجیر آه (ب۱۹۰۴)، سوزن مژگان (ب۷۹۸)، سوهان زبان (ب۳۳۱۸)، غزالان غزل (ب۲۲۲۵)، قربانگاه ناز (ب۲۴۷)، گل‌های شعر (ب۳۳۶۵)، خمیر عشق (ب۹)، آب سخن (ب۱۰۶)، آینه دیده (ب۱۵۸)، بتخانه سخن (ب۱۰۷)، پیاله سخن (ب۱۳۷)، جزر و مد فکر (ب۱۰۶)، جنیت کش عطسه (ب۱۷۵)، چمن عمر (ب۱۱۹)، حریر شعله (ب۲۱۵)، خار ادب (ب۱۱۹)، قبله‌نمای ابرو (ب۱۳۴)، قفل دهن (ب۱۷۴)، سپند شیون (ب۳۳۵۳)، دفتر بند عشق (ب۸۰۲)، نسیم‌آسا (ب۱۴۱۴)، گل افسانه/ شاخ روایت (ب۲۶۴۰)، باغ آغوش (ب۲۷۴۳)، دوات تیره دل (ب۲۱۵) و نظایر آن از جمله تشبیهاتی هستند که محصول فرایند ذهنی شاعر می‌باشند و بسامد آنها ۱۸۱ مورد (معادل ۳۱/۶۹٪) است.

تشبیه حسی به حسی:

ز گوهر خانه لب تا در گوش سخن با خنده می‌شد دوش با دوش

(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۵۸۸)

زلالی در این بیت به زیبایی ترکیب تشبیهی "گوهرخانه لب" را برای توصیف معشوق آورده است. همچنین نمونه‌های دیگر از این قبیل را می‌توان در ابیات زیر در ترکیبات تشبیهی "کتاب خنده"، "حریر گل" و "شهیدستان زمین" مشاهده نمود.

شکوفه، جوش مغزش تازه گردد کتاب خنده را شیرازه گردد

حریر گل، صبا بر خار بافد دماغ زنبق از بو برشکافد

رسید از راه و دید از دور محمود شهیدستان زمین، گردون کفن بود

(همان: ۶۰۷ و ۵۳۵)

۳-۲- استعاره

در شعر زلالی حیاتی‌ترین نقطه قوت و آفرینش هنری را همین استعاره مکنیه و تشخیص تشکیل می‌دهد و اصلاً در آن دوره مراد از استعاره به تنهایی در کلام فقط استعاره مکنیه بوده است. چنانکه بنیاد شعر زلالی تشخیص است با این تفاوت که وی توانایی شگرفی در بارور کردن وجوه مختلف خیالی این نوع استعاره دارد، به گونه‌ای که زلالی را می‌توان در ساخت گونه‌ای از این استعاره مخترع یا دست‌کم استادی چیره‌دست دانست. شاعر در مواردی ترکیبات استعاری را با چنان ژرف‌ساختی به کار برده که آنها الفاظ خاص سبک وی و جزو شناسنامه شعری او گشته‌اند. اشعار زلالی خوانساری سرشار از استعاره می‌باشد که در میان انواع تصاویر، ارزنده‌ترین و پر تحرک‌ترین شکل آن است. وی با استفاده از استعاره‌ها نه تنها با اشیاء، بلکه حتی به معانی انتزاعی نیز خصوصیت انسانی می‌دهد و آنها را صاحب اعمال و عواطف انسانی می‌سازد، چنانکه شاعر در این میان به نوآوری‌های فراوانی دست زده است. مثال‌هایی نظیر:

آغوش علم (ب ۱۵۸)، انگشت لاله (ب ۱۵)، بوسه خار (ب ۳۳۵۹)، پستان خزان (ب ۳۰۲۵)، جان غم (ب ۲۸۶۹)، جبین ناله (ب ۴۲۴)، چشم شمع (ب ۱۱۹۷)، چشم نامه (ب ۱۸۸۳)، خرقه گل (ب ۲۲۷۴)، خجلت غم (ب ۲۸۹۰)، دامان آه (ب ۱۶۹۱)، دست جرأت (ب ۹۵۹)، گردن خوشه (ب ۲۷۵)، گوش جگر (ب ۱۹۴۳)، گیسوان آه (ب ۱۳۷۵)، مغز آفتاب (ب ۳۰۰)، مغز گفتگو (ب ۲۵۰۰)، هجر گره رو (ب ۱۹۷۰)، نبض آرزو (ب ۱۳۹۹)، سایه شمع (ب ۲۱۱۰)، دل شبخیز (ب ۲۱۳۰)، دهان شیشه (ب ۲۴۷۴)، رقص آه (ب ۱۱۷۱)، بوسه‌های چراغ (ب ۱۳۳۶)، بوسه شمشیر (ب ۲۱۹)، پای گوهر (ب ۱۹۳)، پنجه تاک (ب ۲۱۹)، پنجه شعله (ب ۱۳۷)، تاج‌پوشی شمع (ب ۱۰۴)، چشم غم (ب ۱۴۰)، خنده دندان (ب ۱۱۵)، دريوزه دیده (ب ۱۶۱)، دستبازی باد (ب ۱۳۵)، دوش دل (ب ۱۶۶)، دهان هوس (ب ۱۴۲)، رخت غم (ب ۱۱۲)، رُخ خمیازه (ب ۱۱۲)، رقص ماتم (ب ۲۱۰)، عرق آفتاب (ب ۱۱۳)، کفش اجل (ب ۱۱۸)، گیسوی چوگان (ب ۱۱۲)، مه خورپرست (ب ۱۸۱)، همسایگی جلوه (ب ۱۰۰) و نظایر آن که به میزان ۲۴۳ بار (معادل ۰/۴۲/۵۵) کاربرد داشته است. در استعاره‌های زلالی به‌جز تشبیهات تو در تو، دو وجهی بودن استعاره کاملاً پیداست. در بیت:

دیده و نادیده به او رو به روست هر مژه انگشت نماید که اوست

(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۶۵۴)

مژه یکبار خود به انگشتی که به جایی اشاره کرده تشبیه شده و یکبار هم به شخصی که انگشت اشاره به سوی چیزی دراز کرده باشد تشبیه شده است و البته در این فضای ایهامی، دو معنی بودن فعل نمودن (کردن، به نظر رسیدن)، بی تأثیر نیست.

چو خور با باره اش همسایه می شد زحل، آغوش گیر سایه می شد

(همان: ۶۱۵)

در این بیت، ترکیب استعاری و ابداعی "آغوش گیر سایه" برای سیاره زحل، به طور هنرمندانه آمده است. همچنین در ابیاتی دیگر ترکیبات استعاری "سیمای عقل" و "خرقه ماه"، محصول ذهن خلاق شاعر هستند. چنانکه درباره اوصاف و فضایل محمود می گوید:

نمودت، سیمیای عقل را بود وجودت، کیمیای عشق را جود

فضولی گفت با محمود کای شاه! غبار آستانت خرقه ماه

(همان: ۶۴۲)

حافظ نیز در غزلیات خود ترکیب سازی و نوآوری هایی داشته است. در دیوان اشعار وی مواردی چون: شکر فروش (ص ۱۱۸)، نرگس عربده جو (ص ۲۲۱)، غارتگری باد (ص ۲۸۷)، تاج تکبر خورشید (ص ۲۹۲)، گل نو (ص ۳۱۸)، خنده می (ص ۴۸۴)، مطرب عشق (ص ۵۰۴)، چشم دل سیه (ص ۵۲۱)، نرگس جمّاش (ص ۵۳۷)، چهره خندان شمع (ص ۶۴۷)، نقاب گل (ص ۶۶۷)، اقبال کله گوشه گل (ص ۶۳۷) و... نشان می دهد که شاعر در نو ترکیب های استعاری همراه با عاشقانه هایش از پدیده های طبیعت (گل ها و گیاهان و...) مدد گرفته تا بدین گونه مهارت و نوآوری های خویش را به نمایش بگذارد. نمونه های دیگر نو ترکیب های استعاری در شعر حافظ "بزمگاه چمن" و "تبسم گل" است:

به بزمگاه چمن دوش مست بگذشتم چون از دهان توام غنچه در گمان انداخت

نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل بنال بلبل بیدل که جای فریاد است

(حافظ، ۱۳۸۹: ۶۸ و ۲۴۵)

این در حالی است که استعاره پردازی های شعر زلالی برخلاف حافظ، اغلب حاوی مضامین اخلاقی، انواع عواطف و احساسات و اندیشه شاعر است و کاربرد وسیع تری دارد.

۳-۳- کنایه

کنایه از برجسته‌ترین ترفندهای زیبایی‌آفرین در شعر محسوب می‌شود. در حقیقت ارزش زیبایی‌شناسی کنایه نیز در آن است که «سخن کنایه‌آمیز با درنگ و تلاش ذهنی بیشتری دریافته شود» (کزازی، ۱۳۸۱: ۱۵۶). زلالی از کنایه به سبب بهره‌گیری از بیگانگی معنی استفاده مناسبی کرده، به‌خصوص آنکه شعرای آن دوره میل بسیاری به استفاده از زبان و اصطلاحات عوام داشته‌اند تا هم حوزه مخاطب خویش را توسعه دهند و هم از امکانات زبانی بیشتری در تازگی شعرشان بهره ببرند. در اینجا لازم است برخی استفاده‌های ظریف و ناب وی را از کنایه نشان دهیم که باز به عقیده نگارندگان بدعت درخور توجهی در آنها نهفته است.

حسن ته برشته (ب ۵۶۶)، رنگ و بوی دل برشتن (ب ۵۶۸)، غلطان بودن سخن (ب ۵۹۰)، دیر غم‌دوز (ب ۵۴۲)، سخن گلسوز (ب ۶۰۴)، تر نوازی‌های ناله (ب ۶۲۵)، آتش دهن (ب ۶۴۰)، خنجرکاری دل (ب ۱۴۴۰)، خواب گلخیز (ب ۳۱۲۱)، در دل انعام داشتن (ب ۳۲۴)، دود خامان (ب ۶)، گره‌ریزی باد (ب ۳۲۰۸)، گره‌کاری کار (ب ۲۶۵۱)، نمک پیوند (ب ۲۶۴۰)، جگر گل کردن (ب ۳۵)، حسد بر آستین داشتن (ب ۱۸۰۴)، صحرا گرد لیلی دوست (ب ۲۳۰)، نخل غمبندان (ب ۲۲۱۶)، دیر غم‌اندوز (ب ۵۴۲)، دل گردیده (ب ۲۱۰۸)، قد خمیازه فرما (ب ۵۷۱)، انگشت خوردن (ب ۹۸)، بخیه دیده گسستن (ب ۸۳۹)، پریشان ساختن خنده (ب ۲۵۳۱)، پس اندیشی کردن (ب ۲۳۶۸)، جام دعا تهی شدن (ب ۹۳۵)، خنده دراندن (ب ۲۱۲۸)، رحمت فروختن (ب ۲۵۷۴)، شکم انداختن ابر (ب ۸۷۰)، صد بالا شدن (ب ۹۴۸)، غم دمیدن (ب ۸۷۶)، مضمون سیه کردن (ب ۱۲۵۰)، آتش چهره (ب ۱۷۸)، خرقه‌پوش داغ پوش (ب ۲۰۷)، کشتگان نگاه (ب ۱۷۱)، مهمان دهن (ب ۱۵۴) و... که به صورت‌های گوناگون: کنایه از صفت، کنایه از موصوف و کنایه از فعل، به میزان ۱۴۷ بار (معادل ۲۵/۷۴٪) آمده است.

به دشتی تاخت کز خضر سمن زار نفس سر سبز می‌شد چون خط یار
(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۵۸۸)

کنایه از صفت: نفس سرسبز ← کنایه از نفس تازه و با طراوت.

گلستان زاده‌ای از حُسن خوبان غبارش، سرو ناز پای کوبان
(همان: ۵۶۳)

شماره دوم	جستارهای نوین ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)	۱۲۸
-----------	--	-----

کنایه از موصوف: گلستان زاده ← کنایه از معشوق.
 هوای رقصشان اندام می ریخت چو برگ گل که از بادام می ریخت
 (زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۶۱۶)

کنایه از فعل: اندام ریختن ← کنایه از مضطرب و آشفته شدن.

۱- جدول بسامد انواع ترکیب‌سازی‌ها از لحاظ مضامین فکری

نوع	عواطف و احساسات شاعرانه/ جنبه عاشقانه	اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی/ جنبه عارفانه
تعداد	۱۴۰۳	۶۱۲
درصد	٪۶۹/۶۲	٪۳۰/۳۷
جمع	٪۱۰۰	

۲- جدول بسامد انواع ترکیب‌سازی‌ها از لحاظ ساختمان دستور زبان

نوع	ترکیب‌اسمی	صفت فاعلی	صفت مفعولی	ونددار	شبه ونددار	وصفی	مصدری	حرف‌افزاده‌دار
تعداد	۴۲۳	۱۱۶	۸۹	۱۷۲	۱۹۸	۲۵۴	۷۸	۱۱۴
درصد	٪۲۹/۲۹	٪۸/۰۳	٪۶/۱۶	٪۱۱/۹۱	٪۱۳/۷۱	٪۱۷/۵۹	٪۵/۴۰	٪۷/۸۹
جمع	٪۱۰۰							

۳- جدول بسامد انواع ترکیب‌سازی‌ها از لحاظ تصاویر بلاغی

نوع	تشبیه	استعاره	کنایه
تعداد	۱۸۱	۲۴۳	۱۴۷
درصد	٪۳۱/۶۹	٪۴۲/۵۵	٪۲۵/۷۴
جمع	٪۱۰۰		

نتیجه

با بررسی اشعار زلالی خوانساری و با توجه به الگوهای سبک‌شناسی، نگارندگان در این پژوهش قواعد واژه‌سازی شاعر را در ترکیب‌ها به دست آورده‌اند. وجه غالب شعر زلالی، ترکیب‌سازی است که شاعر به اقتضای سخن‌پردازی و به برکت نبوغ هنری خود، آن را به کار گرفته است. بسامد نو ترکیب‌ها در شعر زلالی چنان زیاد است که در کل ادب فارسی جایگاهی ممتاز و ویژه به وی بخشیده

و در نوع خود فوق العاده و بی‌نظیر است. زلالی از شاعرانی است که برای حیات بخشیدن به زنجیره کلام خود در ساخت واژه‌ها و ترکیبات جدید به گونه‌های متنوع هنرنمایی کرده، نکته مهم در خصوص کار شاعری وی این است که اغلب ابیات موجود در دیوان اشعار وی، دارای یک یا دو ترکیب زیبا و بی‌نظیر می‌باشد. زمینه فکری و محتوایی غالب ترکیبات جدید اشعار زلالی، عاشقانه است. از میان ساختارهای مختلف ترکیبات، ساختمان دستور زبان فارسی و ساختار اسم + اسم (ترکیبات اسمی)، بسامد بیشتری دارد. در خور تأمل است که پرسامدترین واژگان ابداعی در اشعار زلالی، واژگان مرکب هستند. از آنجا که این ترکیبات بیشتر در قالب یک صفت مرکب عرضه می‌شود، از آهنگ و نوای خاصی برخوردار بوده و موسیقی شعرش را افزون کرده است. همچنین شاعر برای برجسته‌سازی تنها به واژه‌های موجود زبان بسنده نکرده و گاه با استفاده از تکواژهای موجود، واژه‌های سلیس و روان ابداع نموده است. علاوه بر آن ترکیبات خاص اشعار زلالی در ژرف‌ساخت دارای روابط نحوی گوناگونی مانند رابطه فاعلی، مفعولی، مصدری و نظایر آن می‌باشد. از نظر ساختار معنایی، ترکیبات خاص شعر این شاعر متنوع‌تر از ترکیبات عادی در زبان معیار هستند. اوج بلاغت این ترکیبات هنگامی است که در جهت تصویرسازی و مضمون‌آفرینی با چاشنی تشبیه، استعاره و کنایه همراه می‌شود که این امر نشان دهنده وسعت اندیشه، خلاقیت ذهنی و زبانی اوست و بدین وسیله شاعر پدیده‌ها و مفاهیم مورد نظرش را تجسم و عینیت می‌بخشد.

کتابنامه

- اسفندیاری، علی. (۱۳۶۸). *درباره شعر و شاعری*، گردآوری سیروس طاهباز، دفترهای زمانه. امیری خراسانی، احمد؛ دهمرده، حیدرعلی. (۱۳۸۵). «حکیم زلالی خوانساری»، *فصلنامه ادبیات و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان*، دوره جدید، شماره ۱۹، بهار، صص ۳۹-۱۷.
- اوستا، مهرداد. (۱۳۸۸). *افسوس بی‌سخن*، چاپ اول، تهران: حوزه هنری.
- بخشی، یوسف. (۱۳۳۶). *تذکره شعرای خوانسار*، تهران: چاپ میرپور.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۱). *طلا در مس (در شعر و شاعری)*. تهران: نشر نویسنده.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین. (۱۳۸۹). *دیوان غزلیات*، تصحیح محمدقزوینی و قاسم غنی، تهران: طلوع.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۷۵). *دیوان اشعار*، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۹۲). *دستور زبان فارسی*، چاپ شانزدهم، تبریز: انتشارات ستوده.

شماره دوم	جستارهای نوین ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)	۱۳۰
	رحمانی، نازنین. (۱۳۹۴). بررسی سبکی مثنوی‌های زلالی خوانساری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء(س). استاد راهنما حسین فقیهی.	
	زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۵). با کاروان حله، چاپ سوم، تهران: جاویدان.	
	زلالی خوانساری. (۱۳۸۴). کلیات اشعار، تصحیح و تحقیق دکتر سعید شفیعیون، تهران: کتابخانه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.	
	سایپر، ادوارد. (۱۳۷۶). زبان، درآمدی بر مطالعه سخن گفتن، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران: سروش.	
	شریعت، محمد جواد. (۱۳۴۹). دستور زبان فارسی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.	
	شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۶۸). موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگاه.	
	_____ (۱۳۷۸). صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.	
	_____ (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: سخن.	
	شفیعیون، سعید. (۱۳۸۷). زلالی خوانساری و سبک هندی، چاپ اول، تهران: سخن.	
	شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). کلیات سبک شناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوس.	
	صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، تهران: انتشارات فردوس.	
	طباطبایی، علاءالدین. (۱۳۸۲). اسم و صفت مرکب در زبان فارسی، چاپ اول، تهران: مرکز.	
	عاصی، مصطفی. (۱۳۸۳). پردازش دستوری زبان فارسی با رایانه، ویژه نامه فرهنگستان، جلد اول، شماره اول.	
	فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.	
	_____ (۱۳۸۰). لغت‌سازی و وضع اصطلاحات جدید علمی و فنی، تهران: سوره مهر.	
	کلباسی، ایران. (۱۳۸۰). ساخت اشتقاقی واژه در زبان فارسی امروز، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی.	
	کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۱). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بیان). چاپ ششم، تهران: مرکز.	
	مدرسی، فاطمه. (۱۳۸۸). «فرایند فراهنجاری واژگانی در اشعار شفیع کدکنی»، فصلنامه زبان و ادب فارسی، شماره ۴۲، صص ۴۷-۶۳.	
	_____ (۱۳۷۸). گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.	
	گرمارودی، علی. (۱۳۸۳). صدای سبز، تهران: انتشارات قدیانی.	
	مقرب‌ی، مصطفی. (۱۳۷۲). ترکیب در زبان فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات طوس.	

ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۷). *دستور زبان فارسی*، تهران: توس.
نجف‌آبادی، هاجر؛ نوروزی، علی. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی موسیقی درونی اشعار مذهبی زلالی خوانساری و ابن معنوق موسوی»، *همایش بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن*، صص ۱۸۵۰-۱۸۶۹.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۸). *مخزن الأسرار*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
وحیدیان، تقی. (۱۳۸۶). *دستور زبان فارسی (۱)*. چاپ دهم، تهران: نشر سمت.
هراتی، سلمان. (۱۳۸۰). *مجموعه شعرهای سلمان هراتی*، چاپ دوم، تهران: دفتر شعر جوان.

Bradford, Richard (1994), *Roman Jakobson: Life, language, art*, London and New York.

